

Study of the Relationship between Political Socialization, Political Awareness and Political Effectiveness on Political Participation among Shiraz University Students

Abstract

Today, with the mediation of politics, a significant part of political activities is done through the media and especially online spaces. This study aimed to study the relationship between the variables of political socialization, political awareness and political effectiveness on online and offline political participation among students of Shiraz University and using structural equation modelling. Accordingly, 390 students completed a questionnaire using a stratified random sampling method appropriate to the selected volume and questionnaire. In all three models, the relationship between political awareness and total political participation and participation in online and offline space was not significant and there was only an indirect effect. But on the other hand, the relationship between political effectiveness with total political participation and online participation is significant, and here the political effectiveness of the mediating variable has affected the relationship between the two variables. Findings: The results of the research model test show that political socialization had the highest significant relationship with the dependent variable (political participation) (Beta = 56%). Also, the test of the research model indicates that the sum of independent research variables could explain 45% ($R^2 = 45\%$) of the changes in the research dependent variable, ie students' political participation.

Key Words: Political sociability, political awareness, political effectiveness, real political participation, virtual political participation.

مطالعه رابطه جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز

محمد تقی عباسی شوازی^۱

صادق پناهی نسب^۲

درنا اسمعیل خانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۳

چکیده

امروزه با رسانه‌ای شدن سیاست، بخش مهمی از فعالیت‌های سیاسی بواسطه اینترنت و فضاهای آنلاین انجام می‌شود. این پژوهش، با فرض دو فضای شدن مشارکت سیاسی معاصر، انجام شده و تلاش می‌کند به این سؤال مهم پاسخ دهد که: اثر بخشی و آگاهی سیاسی برآمده از جامعه‌پذیری سیاسی چگونه و به چه میزان می‌تواند مشارکت سیاسی (آنلاین و آفلاین) دانشجویان را تبیین کند؟ جامعه آماری این پیمایش تمامی دانشجویان دانشگاه شیراز بوده و ۳۹۰ دانشجوی با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند. نتایج آزمون مدلها نشان داد متغیرهای مستقل ۴۵ درصد از واریانس مشارکت سیاسی (کل)، ۳۹ درصد از واریانس مشارکت سیاسی آنلاین و ۶۴ درصد از واریانس مشارکت سیاسی آفلاین را تبیین کرده‌اند. همچنین، نتایج مدلسازی معادلات ساختاری نشان داد در هر سه مدل تدوین شده، متغیر آگاهی سیاسی با مشارکت سیاسی کل، آنلاین و آفلاین رابطه‌ای معنادار نداشته است اما رابطه بین اثربخشی سیاسی با مشارکت سیاسی کل و مشارکت آنلاین معنادار بوده است. درکل، آگاهی سیاسی برآمده از فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان نتوانسته بر مشارکت سیاسی تاثیر گذار باشد، پژوهش‌های آتی در مورد ماهیت و منابع این آگاهی و همچنین ساختار سیاسی ایران می‌تواند چرایی این یافته را بیشتر روشن کند.

واژگان کلیدی؛ جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی، اثربخشی سیاسی، مشارکت سیاسی واقعی، مشارکت سیاسی مجازی

^۱ استادیار بخش جامعه‌شناسی / دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) mabbasi@rose.shirazu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی / بخش جامعه‌شناسی / دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز sadeghpanahi12@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی / بخش جامعه‌شناسی / دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز Dorna.es@gmail.com

از زمان ظهور ابتدایی‌ترین جوامع تا پیدایش دولت-شهرهای آتن و سپس ظهور نظام‌های سیاسی و حکومتی بعد از آن، همواره مسئله مشارکت مردم، مورد بحث بسیاری از اندیشمندان حوزه سیاسی و اجتماعی بود. به طور کلی مفهوم مشارکت قدمتی به بلندای سراسر تاریخ اندیشه سیاسی، از قرن‌ها قبل از میلاد مسیح تا به امروز دارد. این مفهوم تا بدان جا اهمیت دارد که ارسطو آن را محور زندگی سیاسی قرار داده و در نظر وی شهروند به کسی گفته می‌شود که حق مشارکت در امور قضایی و شورایی را دارا باشد (اسکلف به نقل از ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). اما مشارکت به مفهومی که امروزه کم و بیش در زندگی جوامع انسانی متداول است، پدیده‌ای نو محسوب می‌شود (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۲۶). با توجه به اینکه مشارکت نه در خلا بلکه در یک بستر اجتماعی رخ می‌دهد و افراد به عنوان کنشگران اجتماعی سهم عظیمی در شکل‌گیری مشارکت سیاسی دارند، نحوه اجتماعی شدن و میزان آگاهی سیاسی آنها نقشی بی‌بدیل در کم و کیف مشارکت سیاسی در یک جامعه را داراست. جامعه‌پذیری یکی از فرآیندهای پیچیده، چند لایه و گریز ناپذیری است که موجود انسانی عمدتاً به اقتضای زیست اجتماعی که دارد از بدو تولد تا آخرین دقایق عمر خویش، همچنان در دالان آن سیر می‌کند. به عقیده توماس هابز، انسان از طریق روند "اجتماعی شدن" آماده زندگی در جامعه سیاسی است (سروش و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). در جریان جامعه‌پذیری سیاسی چند عامل مهم و اساسی دخالت دارند که از جمله می‌توان خانواده، مدرسه، گروه‌های همتا، محیط کار، رسانه‌های جمعی و کارگزاران حکومتی، انجمن‌های ارادی و نهاد دین را نام برد. عواملی مانند خانواده، دوستان و گروه همسالان جزء عوامل اولیه‌ی جامعه‌پذیری سیاسی هستند و وسایل ارتباط جمعی، مکان‌های آموزشی، انجمن‌های ارادی، کارگزاران حکومتی و نهاد دین عوامل ثانویه را تشکیل می‌دهند (فیروزجائیان و جهانگیری، ۱۳۸۷: ۹۳). هرچند جامعه‌پذیری سیاسی طی فرآیندی بلند مدت شکل می‌گیرد اما در بحث تاثیر جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی نمی‌توان نقش آگاهی سیاسی را نادیده گرفت. در دنیای امروز برخلاف گذشته با گسترش تکنولوژی و فناوری‌های ارتباطی، نقش رسانه‌ها در میزان و نوع آگاهی سیاسی غیر قابل انکار است. به گفته مارشال مک لوهان، عصر اطلاعات و فناوری ارتباطات، جهان را به دهکده‌ای کوچک تبدیل کرده و این امکان را برای افراد بشر فراهم نموده تا از همه اتفاقات و رخداد‌های جهان در کمترین زمان ممکن و در بیشترین سرعت اطلاع یابند. ویژگی فرازمانی و فرامکانی رسانه‌ها موجب نفوذ و رسوخ وسایل ارتباط جمعی به زندگی خصوصی و اجتماعی افراد شده و به تبع آن، مرزهای ملی و داخلی را کم رنگ کرده و صلاحیت دولت‌ها را در اداره امور داخلی و سیاست‌گذاری‌های ملی کاهش داده است. بنابراین می‌توان گفت که آگاهی بخشی سیاسی یکی از کارکردهای رسانه‌های نوین است (یاوری وثاق، ۱۳۹۱: ۱۸۲). امروزه با پیشرفت تکنولوژی، اینترنت و حضور در فضای مجازی ما وارد عصری به نام دوجوهانی شدن یا دو فضایی شدن، شده‌ایم. به گونه‌ای که جهان واقعی با ویژگی‌های جغرافیایی داشتن، برخوردار از نظام سیاسی مبتنی بر دولت-ملت، طبیعی-صنعتی بودن، محسوس بودن و معطوف به احساس قدیم‌تر بودن، شناخته می‌شود. در حالیکه جهان مجازی با ویژگی‌هایی مثل بی‌مکان، فرازمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی دولت-ملت‌ها، برخوردار از معرفت‌شناسی تغییر شکل یافته پسامدرن، دسترسی‌پذیری همزمان، روی فضا بودن و برخوردار از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی نسبتاً جدید، از جهان واقعی جدا می‌شود. جهان دوم،

فضای ظهور مفاهیم و مقوله‌ها و «مجازهای واقعی» بسیاری مانند مبارزات سیاسی، احزاب سیاسی مجازی، تضادهای دینی و نهضتی مجازی و همچنین شکل‌گیری شهر مجازی در مقابل شهر فیزیکی و مادی است (عاملی، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۸). مهم‌ترین تغییری که فضای دو جهانی را به وجود آورده، تغییر در روابط انسانی است. در واقع ارتباطات چهره به چهره سنتی در سطح وسیعی جای خود را به ارتباطات در فضای مجازی، مثل ارتباط به واسطه رایانه یا به واسطه وسایل ارتباط از راه دور و یا وسایل ارتباط جمعی داده است. این تغییر فضای ارتباطی در واقع تجربه تعامل اجتماعی متفاوتی را وارد زندگی انسان کرده است. بنابراین برخلاف گذشته که مشارکت تنها در ارتباطات چهره به چهره، سخنرانی‌ها، توزیع پلاکاردها و ... یا به نوعی مشارکت در فضای آفلاین خلاصه می‌شد. امروزه با ظهور و بروز اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جهان، زیست سیاسی ما وارد عرصه‌ی دو فضایی شدن، گردید. به تبع آن مشارکت سیاسی تنها به محیط‌های واقعی محدود نمی‌شود، بلکه این امکان برای افراد فراهم شد که فعالیت خود را به محیطی دیگر یعنی فضای مجازی انتقال و در این فضا که به نوعی فضای گمنامی است، فعالیت خود را ادامه دهند. با این تفاسیر ما با مشارکت سیاسی در دو فضا مواجهیم. مشارکت سیاسی در فضای آفلاین و آنلاین و هر دو فضا، زمینه را جهت فعالیت و مشارکت در ابعاد مختلف و درجه‌های متفاوت سیاست فراهم می‌کنند. در میان جمعیت عظیم و گسترده جوانان، از آنجایی که دانشجویان می‌توانند بیشترین نقش را در تحولات سیاسی کشور داشته باشند، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی دارند. در بستر اجتماعی، مشارکت سیاسی دو نوع است؛ مشارکت سیاسی متعارف (رای دادن، حضور در کمپین‌ها و تماس با رجال سیاسی و احزاب) و مشارکت سیاسی نامتعارف (اقدام جمعی، خشونت سیاسی و کنش مستقیم). در فضای جامعه ایران اینترنت و استفاده از آن مخاطبان خاص خود را دارد. حضور شبکه‌های اجتماعی چون توئیتر، فیس بوک، تلگرام اینستاگرام و ... زمینه‌ساز فعالیت افراد از رای دادن به عنوان امری متعارف تا اقدام و شورش‌های سیاسی به عنوان امری غیرمتعارف می‌شود. از طرفی دانشجویان بیشترین تماس و استفاده را از اینترنت دارند و به نوعی در فضای آنلاین درگیر فعالیت‌های سیاسی هستند. با توجه به نقش بی‌بدیل فرایند جامعه‌پذیری سیاسی بر آگاهی‌های سیاسی افراد همچنین اثربخشی سیاسی آنها، سؤال اساسی این است که کدام یک از دو متغیر آگاهی سیاسی، و اثربخشی سیاسی بیشترین تاثیر را از جامعه‌پذیری سیاسی پذیرفته و کدام یک بیشترین اثر را بر مشارکت (آنلاین و آفلاین) دانشجویان دارند؟ از سوی دیگر متغیر جامعه‌پذیری سیاسی بطور مستقیم و در مقایسه با دو متغیر دیگر، به چه میزان می‌تواند مشارکت دانشجویان را متأثر کند؟

پیشینه پژوهش

فیروزجائیان و جهانگیری (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران". با وارد کردن ۵ متغیر مستقل شامل (دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، گرایش به رسانه‌ها، شرکت در شکل‌ها و تحصیلات پدر) به معادله رگرسیونی در مجموع ۶۴/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. بنابراین نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره اهمیت نظریه جامعه‌پذیری سیاسی را در تبیین مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همچنین علمی (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان "جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان" به این نتیجه رسید که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر متفاوت است، پسران نسبت به دختران مشارکت بالاتری دارند. همچنین سطح آگاهی سیاسی پسران نیز بیشتر از دختران است و بین مشارکت سیاسی دانشجویان و

میزان آگاهی سیاسی آن‌ها نیز رابطه معناداری وجود دارد. به طور کلی یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که زنان مانند مردان به طور کامل در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی قرار نمی‌گیرند و نهادهای مدنی هم ظرفیت پذیرش زنان را ندارند.

لسون نیز در تحقیقی به بررسی "آزادی رسانه، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی" در ۱۳ کشور اروپای مرکزی و شرقی با استناد به داده‌های گزارش آزادی مطبوعات و گزارش کمیسیون به این نتیجه رسید که کنترل رسانه‌ها توسط حکومت‌ها منجر به کاهش میزان آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان می‌شود. همچنین در جایی که رسانه‌ها کمتر مدیریت (تنظیم) شده‌اند و مالکیت خصوصی بیشتری در صنعت رسانه وجود دارد، شهروندان دارای آگاهی سیاسی و فعال‌تر هستند (Leeson, 2008:118). ایسنا و گیولیانو در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین روابط خانوادگی و میزان مشارکت سیاسی و مدنی افراد، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هرچه افراد به خانواده وابسته‌تر باشند، دارای تعهد مدنی و سیاسی کمتری می‌شوند (Alesina & Giuliano, 2011: 160). کاپچیک و همکاران در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که مدارس و نحوه اداره آن و همچنین معلمان و رهبران مدارس نقش مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان و نوجوانان دارند، به صورتی که ساختار تنبیهی و غیر دموکراتیک در مدارس منجر به تضعیف مهارت‌های فردی و اجتماعی افراد خواهد شد و این مساله کاهش مشارکت سیاسی و مدنی افراد را در پی دارد. همچنین جامعه‌پذیری سیاسی به شکل مناسب در این نهاد می‌تواند باعث کاهش شکاف مشارکت مدنی و سیاسی دانش‌آموزان با گروه‌های مختلف جمعیتی شود (ابراهیمی و صفاری بادی، ۱۳۹۵: ۴۰۱۹).

به طور کلی با بررسی مطالعات انجام شده می‌توان گفت، بیشتر مطالعات پیشین مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی را به صورت جداگانه یا با در نظر گرفتن دو متغیر از متغیرهای فوق بررسی کرده‌اند و کمتر مطالعه‌ای بطور همزمان مشارکت سیاسی در دو فضای آنلاین و آفلاین را سنجیده است. از اینرو و برای درک کامل تری از مشارکت سیاسی، پژوهش حاضر مشارکت سیاسی آنلاین و آفلاین را با سه متغیر آگاهی سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و اثربخشی سیاسی مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. همچنین، در این مسیر با استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری تلاش کرده است نقش میانجی متغیرهای آگاهی و اثربخشی سیاسی را نیز بررسی کند.

مروری بر مباحث نظری پژوهش

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی را نمی‌توان به مشارکت رأی‌دهی یا حتی انواع نهادینه شده آن به عنوان مثال عضویت در احزاب یا فعالیت‌های تبلیغی برای احزاب سیاسی یا نامزدها در زمان انتخابات محدود کرد. بلکه مشارکت سیاسی طیف گوناگونی از رفتارهای سیاسی را در برمی‌گیرد که یک سوی آن شرکت در رأی‌گیری و سوی دیگر آن شرکت در قیامی جمعی برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادین در جامعه است در عین حال سطوح مشارکت سیاسی را می‌توان به مثابه نوعی سلسله مراتب در نظر گرفت که بر حسب شدت مشارکت فرد در امور سیاسی جامعه تنظیم شده و از در معرض قرار

دادن خود در برابر محرک‌های سیاسی در پایین‌ترین سطح آغاز و تا پذیرش مسئولیت حزبی یا کشور ادامه می‌یابد (سید امامی، ۱۳۸۶: ۴۳). اسکاف مشارکت را به معنای کنش عقلانی در نظر می‌گیرد که افراد به آن دست می‌زنند نه به عنوان چیزی که آن را بدست می‌آورند. در واقع مشارکت سیاسی مجموعه فعالیت‌های ارادی مسالمت‌آمیزی است که از طریق آن اعضای یک جامعه به قصد تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن روی می‌آورند (scoff, 1975: 425). نویسندگانی همچون مایرون واینر به خصوصیات ارادی و داوطلبانه مشارکت تاکید دارند و وابستگی به سازمان‌ها و حضور در راهپیمایی‌های عمومی تحت فرمان دولت را مشارکت نمی‌دانند. ولی از دیدگاه ساموئل هانتینگتون مشارکت تحریک شده و غیر ارادی هم در زمره مشارکت سیاسی محسوب می‌شود چرا که بسیاری از مشارکت‌ها در سیستم‌های دموکراتیک و رقابتی را هم شامل عنصر فشار و دست‌ساز می‌داند (مور، ۱۳۶۹، ۵۹). رابرت دال در پی آن است که گرایش یا عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی را تبیین کند. در این خصوص، وی معتقد است؛ اگر میزان اثربخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و اگر میزان اثربخشی سیاسی پایین باشد، بی‌تفاوتی را ایجاد می‌کند. به نظر دال، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می‌دهند، اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و بالعکس. دال معتقد است که کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید و عمل سیاسی خود را بر دیگران انکار نماید. به نظر او، در سیاست (بر خلاف علوم طبیعی) بین نظر علمی و عقاید، یعنی معرفت سیاسی و عقیده سیاسی فاصله‌ای نیست. بنابراین، برای دال این نکته آشکار است که عقاید سیاسی همانند نیاز به امنیت و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متأثر می‌سازند (دال، ۱۳۷۴: ۹۴).

جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی از طریق مجاری جامعه‌پذیری اولیه مثل خانواده، مدرسه و مجاری ثانویه همانند حرفه، گروه دوستان و حزب صورت می‌پذیرد. در فرآیند جامعه‌پذیری است که نگرش‌های اصلی و نسبتاً پایدار افراد نسبت به پدیده‌هایی چون قدرت، دولت و سیاست شکل می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۵۴). در واقع جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان به فرآیندی اطلاق کرد که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، به واسطه‌ی کسب اطلاعات و تجربیات با وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شوند. در این فرآیند مولفه‌هایی همچون ارزش‌ها، نهادها، اعتقادات، آداب و رسوم و سایر مسائل از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. هر چند در جریان این تغییرات احتمال تغییر یا تعدیل‌هایی نیز وجود دارد (خرمشاد و سوری، ۱۳۹۸: ۴۶). متغیر جامعه‌پذیری سیاسی برگرفته از دیدگاه لوسین پای است. پای معتقد است که یک نظام سیاسی برای تحقق فرآیند توسعه‌ی سیاسی، باید بتواند از یک سلسله بحران‌ها به طور موفقیت‌آمیز عبور کند. این بحران‌ها عبارتند از: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران توزیع، بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران یکپارچگی. عبور موفقیت‌آمیز از این بحران‌ها توسط کارکردهای نظام سیاسی و فرایند جامعه‌پذیری انجام می‌گیرد. از دید «پای» جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی سه مرحله‌ایست که از جامعه‌پذیری عمومی یا پایه از ابتدای زندگی فرد آغاز شده و به فرایند فعالیت در امور سیاسی می‌رسد (بشیریه، ۱۳۸۲). به اعتقاد پای از طریق جامعه‌پذیری سیاسی فرد از جهان سیاسی

خویش آگاهی پیدا می‌کند و نحوه فهم حوادث سیاسی و چگونگی قضاوت کردن درباره آنها را بدست می‌آورد (رفیع، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹).

آگاهی سیاسی

آگاهی سیاسی یکی از ارکان اصلی است که نظام اجتماعی و سیاسی بر آن استوار است و نادیده گرفتن آن در طول فرآیند ساخت دولت، ناگزیر به معنای ساخت بی‌پایه‌ای خواهد بود که در مواجهه با هر بحرانی که دولت را درگیر می‌کند، بلافاصله فرو می‌پاشد. (Fairbrother, 2003:160). در واقع آگاهی با رشد و تکامل زندگی فرد رشد می‌کند و از این رو ناشی از عوامل مختلف فرهنگی مؤثر بر فرد است. به عبارت دیگر، هر چه فرهنگ سیاسی فرد بهتر باشد، آگاهی سیاسی او نیز بالاتر خواهد بود (Abonu, Ogunlade, & Yunusa, 2013:141). آگاهی سیاسی به معنای آگاهی شهروند از حقوق و وظایف سیاسی خود، از وقایع و حوادثی است که در اطراف او اتفاق می‌افتد، علاوه بر این که او می‌تواند وضعیت اطراف خود را به عنوان یک حقیقت جامع تشخیص دهد. عناصر به جای حوادث مجزا یا رویدادهای دور در هم تنیده شده اند (Kavita, 2017, pp 66-67). عده از نظریه پردازان این حوزه بر این باورند که آگاهی سیاسی در چند سطح ساخته و شکل می‌گیرد، این سطوح عبارت انداز:

- سطح نظری: شامل ایده‌ها و ایدئولوژی‌های موجود در موضوع آگاهی مانند ارزش‌های فرهنگی، معیارها و عواطف است. این سطح به سه مرحله تقسیم می‌شود: مرحله دانش، ادراک و کشف که طی آن فرد مستعد درک مستقیم حقایق است و نشان دهنده آمادگی آگاهی برای پذیرش ایده‌ها، تعیین آنها و انتخاب آنها است. سپس مرحله علاقه سیاسی فرا می‌رسد که در آن فرد به جامعه‌ای که به آن تعلق دارد علاقه نشان می‌دهد و فعالیت آن را حفظ می‌کند و مفهوم اطاعت و تعلق به آن جامعه در او ریشه می‌گیرد. این ممکن است از طریق فعالیت‌ها، اعمال، حقوق و وظایف متعددی که جامعه بر او تحمیل می‌کند، منعکس شود. مرحله سوم، پابندی سیاسی است: آگاهی سیاسی مستلزم آن است که فرد از نظر فکری یا مذهبی به یک گروه، نهاد یا تشکیلات سیاسی خاص پابند باشد. پابندی به این نهادها ممکن است گاهی آگاهی افراد را به سمت اهدافی سوق دهد که به نفع مقام یا نهادی است که فرد به آن تعلق دارد. **سطح عملی:** این سطح ناشی از دانش و تجربیاتی است که فرد انباشته کرده است که از طریق روابط او با محیط اطراف در زمانی که از کسب دانش به سطح تمرین می‌گذرد، منعکس می‌شود. این امر از طریق مشارکت فرد در روند سیاسی آشکار می‌شود که گاه منجر به تایید مقامات می‌گردد. **آمادگی برای مشارکت سیاسی:** این بدان معناست که آگاهی فرد ایجاب می‌کند که عمل مؤثر آزادی سیاسی مستلزم آن است که فرد دست در دست سایر اعضای جامعه سیاسی به منظور مشارکت در تدوین سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، انتخاب حاکمان و اعضای جامعه همکاری کند. **تساهل فکری متقابل:** این به معنای ضرورت آگاهی فرد از این است که عملکرد مؤثر سیاسی ایجاب می‌کند که با سایر اعضای جامعه سیاسی در تدوین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب حاکمان مشارکت داشته باشد. **اعتماد متقابل:** باید بین حاکم از یک سو و بین نهادهای سیاسی و قانون اساسی حاکم از سوی دیگر اعتماد متقابل وجود داشته باشد (ویلیام، و آنتونی، ۲۰۱۷؛ Ostrander, Sandler & Nieman, 2015 و Fiske, Susan, Donald, 2000).

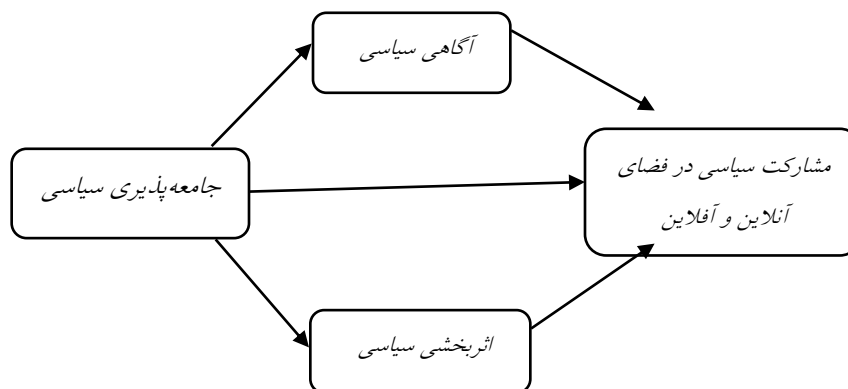
مفهوم اثر بخشی سیاسی نقش برجسته ای در مطالعات رفتار سیاسی و جامعه پذیری سیاسی ایفا میکند. اثر بخشی سیاسی عبارت است از «احساس این که تغییر سیاسی و اجتماعی امکان پذیر است و شهروندان می توانند در ایجاد این تغییر نقش داشته باشند» (Campbell, Gurin and Miller, 1954, p. 187). سطوح بالای اثر بخشی در میان شهروندان معمولاً برای ثبات دموکراسی مطلوب تلقی می شود، زیرا «در جامعه دموکراتیک مدرن، شهروندان باید احساس کنند که قدرتی برای تأثیر گذاری بر اقدامات دولت خود دارند» (Wright, 1981, p. 69). شهروندانی که به داشتن این قدرت اطمینان دارند، احتمالاً از نظام دموکراتیک حمایت می کنند. در واقع اثر بخشی سیاسی عبارت است از اینکه فرد احساس کند، با مشارکت سیاسی خود، بر فرآیندهای سیاسی اثر گذاشته و می تواند از این طریق بر مقدرات جامعه خویش مؤثر باشد. و در مقابل آن؛ افراد وقتی تصور کنند مشارکت سیاسی آنان اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی نخواهد گذاشت کمتر در امور سیاسی درگیر می شوند. در میان اندیشمندان در موضوع مشارکت سیاسی تنها رابرت دال است که به این موضوع توجه می کند. او معتقد است؛ افراد وقتی تصور کنند آن چه انجام می دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی نخواهد گذاشت کمتر در امور سیاسی درگیر می شوند. به طوری که می توان گفت، هر چه احساس اثر بخشی سیاسی فردی کمتر باشد مشارکت سیاسی او کمتر خواهد بود. وی این احساس را «اعتماد به نفس سیاسی» نیز می نامد و اظهار می دارد که این قضاوت درباره عدم کارایی سیاسی فرد، چه واقع بینانه باشد و چه نباشد، به شهروندان این را القا می کند که مسئولان توجهی به افرادی مانند آنها ندارند و آنها نمی توانند در فرایند سیاسی اثر بگذارند (دال، ۱۳۸۷؛ ۹۸).

چارچوب نظری تحقیق

با توجه به نظریاتی که مطرح شد، هیچ یک از این نظریه ها به تنهایی نمی توانند به تحلیل جامع پدیده مورد بررسی در پژوهش فعلی بپردازند، بدین ترتیب، تلفیقی از نظریات مطرح شده جهت بررسی جامع تر پدیده مورد بحث، به عنوان چارچوب نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. متغیر مشارکت سیاسی در این مطالعه برگرفته از دیدگاه میلبراث است. وی سطوح مشارکت سیاسی به صورت سلسله مراتب (فعالیت های پرتلاش، فعالیت های متوسط و فعالیت های تماشاگرانه) مطرح کرده است. مشارکت سیاسی را نمی توان به مشارکت رأی دهی یا حتی انواع نهادینه شده آن به عنوان مثال عضویت در احزاب یا فعالیت های تبلیغی برای احزاب سیاسی یا نامزدها در زمان انتخابات محدود کرد. بلکه مشارکت سیاسی طیف گوناگونی از رفتارهای سیاسی را در برمی گیرد که یک سوی آن شرکت در رأی گیری و سوی دیگر آن شرکت در قیامی جمعی برای ایجاد دگرگونی های بنیادین در جامعه است (سید امامی، ۱۳۸۶: ۴۱). رابرت دال در پی آن است که گرایش یا عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی را تبیین کند. در این خصوص، وی معتقد است؛ اگر میزان اثر بخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می یابد و اگر میزان اثر بخشی سیاسی پایین باشد، بی تفاوتی را ایجاد می کند. به نظر دال، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می شوند و بالعکس (دال، ۱۳۷۴: ۹۴). از طرفی از نظر

دوسون آگاهی سیاسی افراد دربرگیرنده نگرش‌ها و ارزیابی آنها از مسائل خاص سیاسی و یا از شخصیت‌ها و حوادث سیاسی است (باقری، ۱۳۹۵: ۱۸۸). با توجه به نظرات مطرح شده می‌توان گفت متغیر جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند با انتقال هنجارها از نسلی به نسل دیگر بر آگاهی سیاسی و میزان اثربخشی سیاسی فراد تاثیر گذاشته و زمینه را برای مشارکت افراد تسهیل و یا محدود سازد. مدل زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد.

شکل ۱- مدل تحلیلی پژوهش عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی



فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی (آنلاین و آفلاین) رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین جامعه‌پذیری سیاسی و آگاهی سیاسی رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی (آنلاین و آفلاین) رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین جامعه‌پذیری سیاسی و اثربخشی سیاسی رابطه وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی (مشارکت در فضای آنلاین و آفلاین) رابطه وجود دارد.

تعریف عملیاتی مفاهیم

تعریف عملیاتی مشارکت سیاسی: متغیر وابسته در این پژوهش «مشارکت سیاسی» است. شاخص‌های مشارکت سیاسی عبارتند از: مشارکت در فضای آنلاین (آپلود عکس یا ویدیوی سیاسی، مشارکت در کمپینی آنلاین، امضای طومار مجازی در مورد مسائل سیاسی، تغییر عکس در شبکه‌های اجتماعی با اهداف سیاسی، ارسال ایمیل به سایت یا سیاستمداران سیاسی، ترغیب فرد به شرکت در رویداد سیاسی، اشتراک‌گذاری مطالب در شبکه‌های اجتماعی، ارسال

مطالب با محتوای سیاسی جهت نشر و دعوت به تجمع همگانی، راهپیمایی یا یک برنامه سیاسی از طریق اینترنت) و مشارکت در فضای آنلاین (شرکت در راهپیمایی یا تجمعات، علاقه‌مندی به داشتن یک مقام دولتی، شرکت در جلسه یا مباحثه سیاسی غیررسمی یا خصوصی، کمک به جمع‌آوری کمک‌های مالی و غیرمالی برای امور سیاسی). در این پژوهش مشارکت سیاسی با استفاده از ۱۳ گویه بر مبنای طیف ۵ درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است که گویه‌ها به صورت اصلا، خیلی کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی زیاد از ۰ تا ۵ نمره گذاری شدند. مشارکت سیاسی آنلاین دارای ۹ گویه که به صورت 19.1x تا 19.9x نامگذاری شده‌اند. مشارکت سیاسی آنلاین دارای ۴ گویه که به صورت 21.1x تا 21.4x نامگذاری شده‌اند.

تعریف عملیاتی جامعه‌پذیری سیاسی: متغیر جامعه‌پذیری سیاسی با استفاده از ۷ گویه (مشارکت حداقل یکی از اعضای خانواده فرد در راهپیمایی‌های برگزار شده، داشتن فعالیت سیاسی به دلیل ترغیب خانواده، داشتن دوستانی که عضو انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی هستند، شرکت دوستان نزدیک فرد در انتخابات کشور، داشتن دوستان صاحب مناصب سیاسی، ایجاد تغییر در دیدگاه سیاسی فرد توسط دانشگاه، تمایل به شرکت در برنامه‌ها و مناظره‌های سیاسی تشکیل شده در دانشگاه) در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت و گویه‌ها به صورت اصلا، خیلی کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی زیاد از ۰ تا ۵ نمره گذاری شدند. جامعه‌پذیری سیاسی دارای ۷ گویه که به صورت 23.1x تا 23.7x نامگذاری شده‌اند.

تعریف عملیاتی آگاهی سیاسی: متغیر آگاهی سیاسی به معنای داشتن بینش و اطلاعات در مورد مسائل سیاسی است که توسط ۴ گویه (ذکر نام رئیس قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه و گویه‌ای در ارتباط با مشخص کردن روزنامه‌هایی که دیدگاه سیاسی مشترک دارند) مورد سنجش قرار گرفت. آگاهی سیاسی دارای ۴ گویه که به صورت 15.1x، 15.2x، 15.3x و 16x نامگذاری شده‌اند.

تعریف عملیاتی اثربخشی سیاسی: اثربخشی سیاسی باور فرد به توانایی‌اش جهت ایجاد تغییر در حوزه سیاست است. این متغیر با استفاده از دو گویه (کمک به حل مشکلات سیاسی در ایران با مشارکت افراد در فعالیت‌های دنیای واقعی، کمک به حل مشکلات سیاسی در ایران با مشارکت افراد در فعالیت‌های دنیای مجازی) در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجیده شده است و گویه‌ها به صورت اصلا، خیلی کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی زیاد از ۰ تا ۵ نمره گذاری شدند. سؤالات این متغیر به صورت 25.1x و 25.2x نامگذاری شده‌اند.

روش پژوهش

روش تحقیق در هر پژوهش با توجه به نوع موضوع، سؤالات تحقیق و اهداف مشخص می‌شود. با توجه به موضوع و اهداف این پژوهش، مطالعه با رویکردی کمی و با روش پیمایش انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه با سؤالات عمدتاً بسته بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه شیراز را شامل می‌شود که براساس اعلام رسمی اداره کل خدمات آموزش دانشگاه شیراز تعداد دانشجویان دختر و پسر این دانشگاه حدود ۲۰۰۰۰ نفر

بوده است. براساس فرمول کوکران نمونه ۳۹۰ نفری از دانشجویان دختر و پسر به صورت تصادفی انتخاب شدند. در این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد که براساس آن دانشجویان به صورت تصادفی در چند مرحله پیاپی انتخاب شدند و مورد پرسش و سنجش قرار گرفتند. از روائی صوری برای اطمینان از روائی پرسشنامه بهره گرفته شده و برای اطمینان از پایایی طیف‌های پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج پایایی طیف‌های پرسشنامه قابل قبول بوده است بطوری که مشارکت سیاسی با ضریب ۰/۸۸، مشاکت سیاسی آنلاین با ضریب ۰/۹۰، مشارکت سیاسی آفلاین با ضریب ۰/۸۰، جامعه‌پذیری سیاسی با ضریب ۰/۷۳، اثربخشی سیاسی با ضریب ۰/۷۴ و آگاهی سیاسی با ضریب ۰/۷۸ نشان داده شده است.

یافته‌ها و نتایج

داده‌های پژوهش نتیجه استخراج پرسشنامه‌هایی است که ۳۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز به سوالات آن پاسخ داده‌اند و مبنای تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش قرار گرفته است. آزمون مدل پژوهش با استفاده از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری (AMOS) انجام شده است. مدل‌های معادله ساختاری به طور معمول ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری‌اند. با استفاده از این مدل‌ها می‌توان به طور همزمان به ارزیابی کیفیت سنجش متغیرها و مقبولیت اثرات مستقیم و غیرمستقیم و همچنین تعامل‌های تعریف شده میان متغیرها پرداخت (قاسمی، ۱۳۹۲: ۵). در زیر نتایج بررسی مدل نظری پژوهش به وسیله نرم افزار AMOS آمده است.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

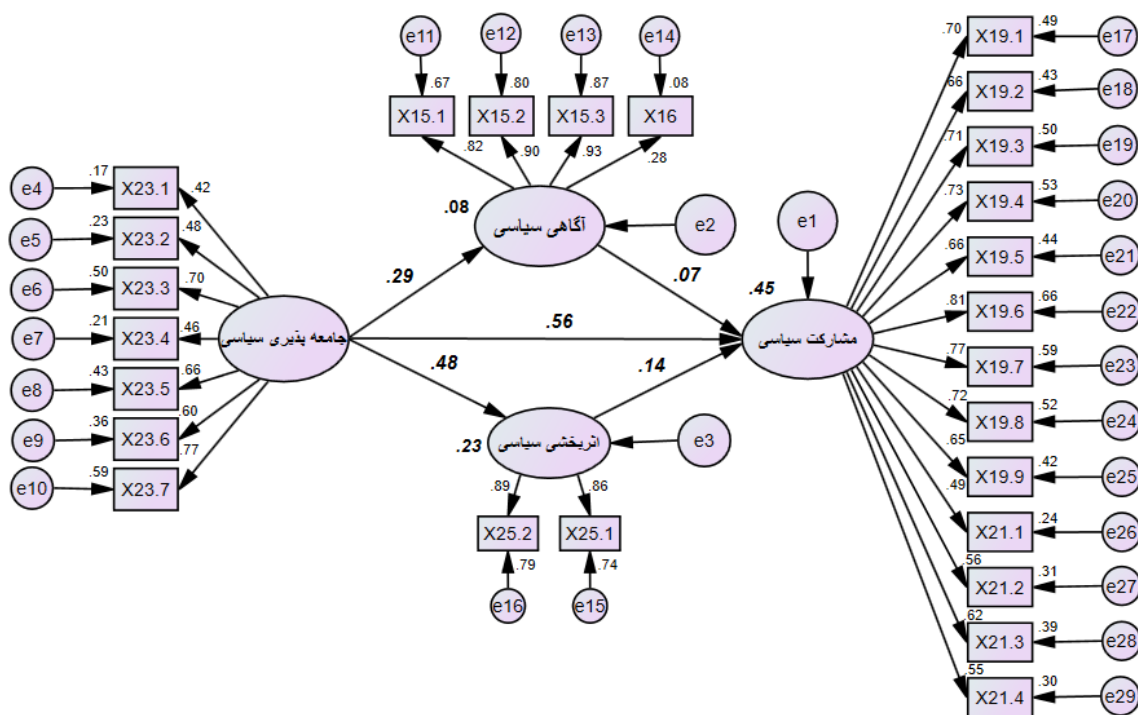
جدول ۱- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	واریانس	نمره حداقل	نمره حداکثر
مشارکت سیاسی آنلاین	۱/۴۷۶	۰/۰۱۵	۱/۲۵۶	۱/۶۸۲
مشارکت سیاسی آفلاین	۱/۶۱۵	۰/۰۳۰	۱/۴۴۴	۱/۸۱۳
اثربخشی سیاسی	۲/۳۰۳	۰/۰۰۸	۲/۲۳۸	۲/۳۶۷
جامعه‌پذیری سیاسی	۲/۳۰۴	۰/۳۳۸	۱/۵۹۰	۳/۱۸۲
آگاهی سیاسی	۰/۵۳۵	۰/۰۵۹	۰/۱۷۷	۰/۷۱۰

جدول شماره ۱ توصیفی از میزان جامعه‌پذیری سیاسی، اثربخشی سیاسی، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان در دو فضای آنلاین و آفلاین را به نمایش گذاشته است. نتایج حاکی از آن است که میانگین مشارکت آفلاین (۱/۶۱) است و میانگین مشارکت آنلاین (۱/۴۷) است. این بدین معناست که دانشجویان مشارکت بیشتری در

فضای واقعی دارند تا فضای مجازی. میانگین دو متغیر اثربخشی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی (۲/۳۰) و متغیر آگاهی سیاسی با کمترین میانگین (۰/۵۳) بوده است.

آزمون مدل پژوهش



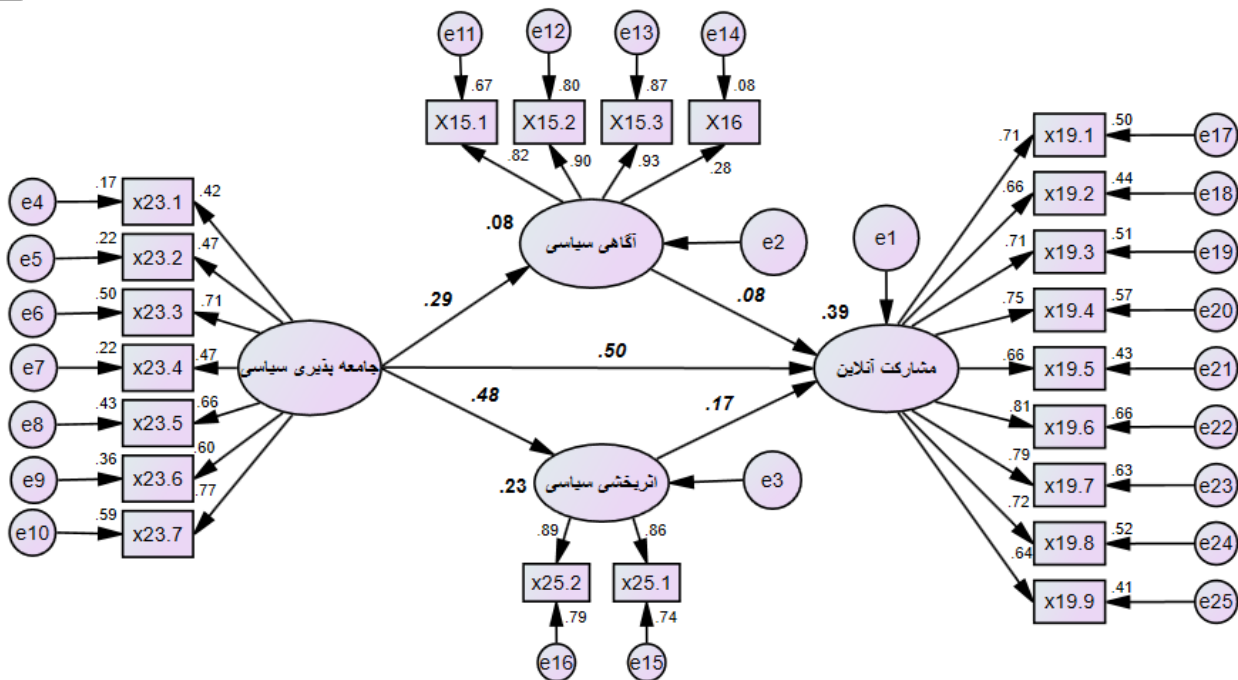
شکل ۲- مدل تجربی پژوهش عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی کل (آنلاین و آفلاین)

متغیرها	برآورد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
جامعه‌پذیری سیاسی ← آگاهی سیاسی	۰/۱۶۷	۰/۰۳۵	۴/۷۴۶	۰/۰۰۱
جامعه‌پذیری سیاسی ← اثربخشی سیاسی	۰/۶۳۸	۰/۰۹۲	۶/۹۳۶	۰/۰۰۱
جامعه‌پذیری سیاسی ← مشارکت سیاسی	۰/۵۳۰	۰/۰۷۳	۷/۲۸۳	۰/۰۰۱
اثربخشی سیاسی ← مشارکت سیاسی	۰/۱۰۲	۰/۰۳۹	۲/۶۰۱	۰/۰۰۹
آگاهی سیاسی ← مشارکت سیاسی	۰/۱۲۱	۰/۰۷۷	۱/۵۷۳	۰/۱۱۶

جدول ۳- وضعیت شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص	شرح	بازه قابل قبول	مقدار	وضعیت
CMIN/DF	کای اسکوئر بهنجار شده	مقادیر بین ۲ تا ۳	۲/۶۹۴	برازش مناسب
CFI	شاخص برازش تطبیقی	مقدار بیشتر از ۰/۹۰	۰/۸۹۴	برازش مناسب
PCFI	شاخص نیکویی برازش مقتصد	مقدار بیشتر از ۰/۵۰	۰/۸۰۹	برازش مناسب
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	مقدار کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۶	برازش مناسب

نتایج نشان می‌دهد که کلیه ارتباط‌های موجود در مدل بین متغیرهای پنهان، به استثناء ارتباط بین متغیر آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی معنادار هستند. بین جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی با میانجی‌گری اثربخشی سیاسی رابطه معنادار است و اثربخشی سیاسی متغیر میانجی است. اما بین جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی با واسطه‌گری متغیر آگاهی سیاسی تنها اثر غیرمستقیم وجود دارد. زیرا رابطه بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی معنادار نیست. شاخص‌های برازش مدل ساختاری حاکی از این است که مدل تدوین شده مدل قابل قبولی است.



شکل ۳- مدل تجربی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی آنلاین

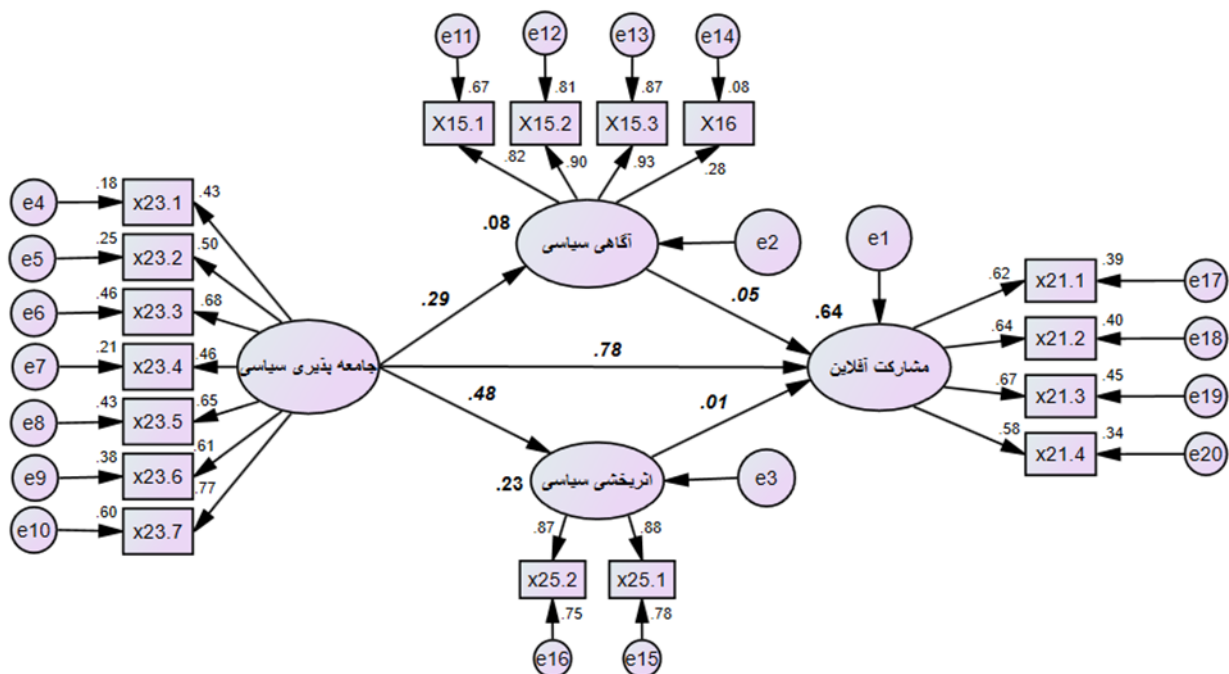
جدول ۴- وضعیت وزن‌های رگرسیونی

متغیرها	برآورد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
جامعه‌پذیری سیاسی → آگاهی سیاسی	۰/۱۶۶	۰/۰۳۵	۴/۷۴۳	۰/۰۰۱
جامعه‌پذیری سیاسی → اثربخشی سیاسی	۰/۶۳۷	۰/۰۹۲	۶/۹۲۰	۰/۰۰۱
جامعه‌پذیری سیاسی → مشارکت سیاسی آنلاین	۰/۴۷۱	۰/۰۷۱	۶/۶۰۰	۰/۰۰۱
اثربخشی سیاسی → مشارکت سیاسی آنلاین	۰/۱۲۰	۰/۰۴۱	۲/۹۰۴	۰/۰۰۴
آگاهی سیاسی → مشارکت سیاسی آنلاین	۰/۱۲۹	۰/۰۸۱	۱/۶۰۴	۰/۱۰۹

جدول ۵- وضعیت شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص	شرح	بازده قابل قبول	مقدار	وضعیت
CMIN/DF	کای اسکوئر بهنجار شده	مقادیر بین ۲ تا ۳	۲/۳۸۴	برازش مناسب
CFI	شاخص برازش تطبیقی	مقدار بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۲۹	برازش مناسب
PCFI	شاخص نیکویی برازش مقتصد	مقدار بیشتر از ۰/۵۰	۰/۸۲۰	برازش مناسب
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	مقدار کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۰	برازش مناسب

با توجه به مقادیر گزارش شده در مدل بین متغیرهای پنهان، تنها ارتباط بین متغیر آگاهی سیاسی و مشارکت آنلاین معنادار نیست. بین جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت آنلاین با میانجی‌گری اثربخشی سیاسی رابطه معنادار است و اثربخشی سیاسی متغیر میانجی است. اما بین جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت آنلاین با واسطه‌گری متغیر آگاهی سیاسی تنها اثر غیرمستقیم وجود دارد. زیرا رابطه بین آگاهی سیاسی و مشارکت آنلاین معنادار نیست.



شکل ۴- مدل تجربی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی آفلاین

جدول ۶- وضعیت وزن های رگرسیونی

متغیرها	برآورد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
جامعه پذیری سیاسی ← آگاهی سیاسی	۰/۱۶۲	۰/۰۳۴	۴/۷۶۱	۰/۰۰۱
جامعه پذیری سیاسی ← اثر بخشی سیاسی	۰/۶۴۳	۰/۰۹۰	۷/۱۴۷	۰/۰۰۱
جامعه پذیری سیاسی ← مشارکت سیاسی آفلاین	۰/۶۸۹	۰/۰۸۷	۷/۸۹۲	۰/۰۰۱
اثر بخشی سیاسی ← مشارکت سیاسی آفلاین	۰/۰۰۷	۰/۰۴۰	۰/۱۸۲	۰/۸۵۶
آگاهی سیاسی ← مشارکت سیاسی آفلاین	۰/۰۸۲	۰/۰۸۱	۱/۰۱۳	۰/۳۱۱

جدول ۷- وضعیت شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص	شرح	بازده قابل قبول	مقدار	وضعیت
CMIN/DF	کای اسکوئر بهنجار شده	مقادیر بین ۲ تا ۳	۲/۴۰۴	برازش مناسب
CFI	شاخص برازش تطبیقی	مقدار بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۳۷	برازش مناسب
PCFI	شاخص نیکویی برازش مقتصد	مقدار بیشتر از ۰/۵۰	۰/۷۸۵	برازش مناسب
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	مقدار کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۰	برازش مناسب

با توجه به مقادیر گزارش شده در مدل بین متغیرهای پنهان، ارتباط بین متغیر آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی با مشارکت آفلاین معنادار نیستند و تنها اثر غیرمستقیم وجود دارد. بین جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت آفلاین رابطه معنادار است. همچنین بین جامعه‌پذیری سیاسی و اثربخشی سیاسی و آگاهی سیاسی رابطه معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه مشارکت سیاسی دانشجویان دارای اهمیت چشمگیری است زیرا دانشجویان به عنوان قشر نخبه جامعه نقشی مؤثر در فرآیند توسعه دارند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز است. مشارکت سیاسی در این مطالعه در دو بعد مشارکت در فضای آنلاین (واقعی) و مشارکت در فضای آنلاین (مجازی) سنجیده شده است. در این پژوهش مشارکت سیاسی متعارف دانشجویان مدنظر بوده که با توجه به مباحث مطرح شده عوامل مختلفی بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند. متغیرهایی که در این پژوهش تأثیر آنها بر مشارکت سیاسی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت است از: فعالیت خود فرد، دوستان، اطرافیان، اعضای خانواده فرد و میزان گرایش سیاسی فرد و اطرافیانش. به نوعی می‌توان از متغیرهایی چون جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی نام برد که متغیر مشارکت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است که براساس آن جامعه، گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها، اطلاعات، ارزش‌ها و معیارهای سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند (شرف‌الدین، ۱۳۸۷: ۱۸۱). آگاهی سیاسی به معنای ارزیابی فرد از مسائل سیاسی است و اثربخشی سیاسی در ارتباط با ارزیابی فرد از فعالیت‌هایش در امور سیاسی است. در این پژوهش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) به سه روش مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا به صورت جداگانه تمام متغیرهای مستقل در رابطه با مشارکت سیاسی مورد آزمون قرار گرفت. آزمون مدل پژوهش حاکی از آن است که مجموع متغیرهای مستقل پژوهش یعنی جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی توانسته‌اند (۴۵٪) از تغییرات متغیر وابسته پژوهش یعنی مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نمایند. سپس تأثیر متغیرهای مستقل بر مشارکت در فضای آنلاین و آفلاین در دو مدل جاگانه مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. براساس یافته‌های پژوهش رابطه معناداری بین متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی و اثربخشی سیاسی با متغیر مشارکت سیاسی به طور کلی و مشارکت در فضای آنلاین وجود دارد و متغیر اثربخشی سیاسی در این دو مدل متغیر میانجی

است. اما رابطه بین متغیرهای اثربخشی سیاسی و آگاهی سیاسی با مشارکت در فضای آنلاین معنادار نیست و متغیر اثربخشی در این مدل به عنوان متغیر واسطه‌ای و تنها اثر غیرمستقیم بین متغیرها وجود دارد. از طرفی رابطه بین آگاهی سیاسی با مشارکت سیاسی بطور کلی و مشارکت در فضای آنلاین و آفلاین معنادار نیست. بدین ترتیب می‌توان گفت آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز چندان تأثیری بر مشارکت سیاسی‌شان نداشته است. نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعه علمی (۱۳۸۷) مبنی بر وجود رابطه بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی ناهمسوست. از طرفی نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری سیاسی بالاترین ارتباط معنادار را با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) داشته است. نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعه فیروزجائیان و جهانگیری (۱۳۸۷) در راستای تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی همسو است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رابطه بین جامعه‌پذیری سیاسی با آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی معنادار است. همچنین رابطه بین اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی معنادار است. طبق نظریه اثربخشی سیاسی رابرت دال و باندورا، افراد زمانی که احساس کنند مشارکت سیاسی‌شان در روند جامعه تأثیرگذار است، فعالیت سیاسی خود را افزایش خواهند داد. اما همانطور که پیشتر ذکر شد، در این پژوهش رابطه بین متغیر آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی طبق مدل‌های تدوین شده معنادار نیست که مسئله‌ای قابل تأمل است. بر همین اساس، سئوالاتی که شایسته توجه و تدقیق بیشتر در پژوهش‌های آینده است بدین قرار است: جنبه‌های مختلف ساختار سیاسی جامعه ایران چگونه است که آگاهی از آن نمی‌تواند بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر بگذارد؟ از سوی دیگر، ماهیت و منابع آگاهی‌های دانشجویان چگونه است که چندان نمی‌تواند انگیزه‌هایی را برای مشارکت سیاسی بوجود آورد؟ بنابراین، به نظر می‌رسد، از یکسو فهم فرایندها و ساختارهای سیاسی در ایران و از سوی دیگر ماهیت و منابع آگاهی‌های سیاسی دانشجویان در فهم این یافته می‌تواند بسیار مهم باشد.

منابع

- ابراهیمی، ق و صفاری بادی، م. (۱۳۹۵). «نقد و واکاوی پژوهش‌های مشارکت سیاسی با تأکید بر متغیر جامعه‌پذیری سیاسی» مجموعه مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، ۴۰۲۲-۴۰۱۴.
- باستانی، س و لولایی، ف. (۱۳۹۱). «کاربری رسانه‌ها و رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران با تأکید بر نقش اینترنت»، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، سال ۱، شماره ۳، ص ۳۸-۷.
- باقری دولت آبادی، ع. (۱۳۹۵). «آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه یاسوج در خصوص موضوعات روابط بین الملل و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱۹، ص ۲۱۱-۱۷۷.
- بشیری، ح. (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- خرمشاد، م و سوری، ف. (۱۳۹۸). «نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی؛ مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۸، شماره ۲۹، ص ۷۹-۴۴.
- دال، ر. (۱۳۸۷) درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه
- رفیع، ح. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی»، رشد علوم اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۴۱-۳۶.
- سروش، م و حسینی، م. (۱۳۹۲). «نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی؛ بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۰، شماره ۲، ص ۱۲۵-۹۳.

- سید امامی، ک. (۱۳۸۶). « مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیشبینی کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۲، شماره ۶، ۳۳-۵۲
- شرف‌الدین، س.ح. (۱۳۸۷). «جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت سیاسی»، مجله راه تربیت (مطالعات فقه تربیتی)، شماره ۵، ص ۱۷۷-۱۹۸.
- عاملی، س. (۱۳۹۵). «مطالعات جهانی شدن: دو فضایی شدن‌ها و دو جهانی شدن‌ها، تهران، سمت.
- عزیزی، ح. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی افراد بالای ۲۰ سال شهر بهبهان)»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران.
- علمی، م. (۱۳۸۷). «جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان»، زن و مطالعات خانواده، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۷۶-۱۵۳.
- فیروزجائیان، ع.ا و جهانگیری، ج. (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان؛ نمونه‌ی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران»، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۵، شماره ۱، ص ۸۳-۱۰۹.
- قاسمی، و. (۱۳۹۲). «مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- گلابی، ف و حاجیلو، ف. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۷۳-۲۰۰.
- مسعودنیا، ا. (۱۳۸۶). «مقایسه آگاهی سیاسی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره دبیرستان در استان اصفهان»، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۲، شماره ۲۴، ص ۷۸-۵۹.
- مور، ب. (۱۳۷۶). «ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی: نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان نو»، مترجم: حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ ۲، ۳۹۸.
- مصفا، ن. (۱۳۷۵). «مشارکت سیاسی زنان در ایران»، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مهديه، ع؛ همتی، ر و دادهیر، ا. (۱۳۹۵). «فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری دانشگاه اصفهان»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۱، ص ۷۳-۴۵.
- نادری، ا. (۱۳۹۶). «فرا تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۴، شماره ۱، ص ۲۵۹-۲۹۰.

- هاشمی، س، ض، فولادیان، م و فاطمی امین، ز. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۱، ص ۲۲۶-۱۹۹.
- هاشمیانفر، س، ع، جلالی، م و هاشمی، س، ض. (۱۳۹۰). «تاملی بر چیستی غرور ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه شهر اصفهان»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱، ص ۴۹-۲۳.
- یاوری وثاق، م. (۱۳۹۱). «نقش رسانه در آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی»، قم: نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

Abonu, D. N., Ogunlade, F. O., & Yunusa, B. M. (2013). "Assesment of Political Awareness among students of Social Studies in Nigerian Secondary Schools for citizenship". *International Journal of Education and Research*, 1(12).

Alesina, A., & Giuliano, P. (2011). Family ties and political participation. *Journal of the European Economic Association*, 9(5), 817-839..

Campbell, A., Gurin, G., & Miller, W. E. (1954). *The Voter Decides*. Evanston, IL: Row, Peterson and Company..

Fairbrother, G. (2003). "The Effect of Political Education and Critical Thinking on Hong Kong and Main Land Chinese university student National Attitudes". *British Journal of Sociology of Education*, 24(5), 153-178

Fiske, S. T., Donald R. (2000). "The Novice and the Expert: Knowledge Based Strategies in Political Cognition" *The Journal of Experimental Social Psychology*, 19(4): 381-400

Kavita,P (2017). "A study of political awareness among senior secondary school students in Fatehabad district". *International Journal of Information Movement*, 1(12).

Leeson, P. T. (2008). Media freedom, political knowledge, and participation. *Journal of Economic Perspectives*, 22(2), 155-169.

Milbrath, L.W. (1981). Political Participation. In: Long S.L. (eds) *The Handbook of Political Behavior*. Springer, Boston.

Ostrander, J., Sandler, A. & Nieman, P (2015). "The Influence of Professional Identity and level of empowerment on political participation of MSW students", paper presented

at the Society for Social Work and Research 19th Annual Conference, (1)14-18.

Scaff, L. A. (1975) .Two concepts of political participation. *Western Political Quarterly*, 28(3), 447-462.

Van Deth, J. W. (2015). Political participation. The international encyclopedia of political communication, 1-12.

Wiliam, B. R., & Anthony, P., J. B. (2007). “High School Students and their Political views” National Social Science Association. WWW. Nassaus/Journals/ 2007- 28-13.htm.